

مفهوم و معنای حسن‌نیت در حقوق ایران و فرانسه

علی انصاری*

استادیار گروه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران

پذیرش: ۸۷/۱۱/۲۹

دریافت: ۸۴/۶/۱۲

چکیده

اصل حسن‌نیت از اصول شناخته شده حقوق قراردادهای در عرصه بین‌المللی است و چنین جایگاهی موجب نفوذ و تأثیر آن در حقوق‌های داخلی شده‌است. حسن‌نیت واجد معانی گوناگونی است. مفهوم حسن‌نیت همان‌گونه که حقوق فرانسه به آن توجه کرده، یک معنای دوگانه پیدا کرده‌است. حسن‌نیت مشتمل بر دو معنایی است که امروزه هریک از آن دو از یکدیگر مستقل است. این مفهوم دربردارنده معنای تصور اشتباه - یا تصور مشروع - است که بیانگر وضعیت روحی یک شخص است که از ظاهر اشیا دارد. این برداشت اصولاً در قلمرو حقوق اموال، نکاح (وطی به شبهه) و اسناد تجاری کاربرد دارد. حسن‌نیت همچنین واجد معنای صداقت است. این معنا در واقع همان چیزی است که در بند ۳ ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی فرانسه به کار رفته و بیانگر اجرای با حسن‌نیت قراردادهای است.

کلیدواژه‌ها: حسن‌نیت، تصور اشتباه، صداقت، حقوق فرانسه.

۱- مقدمه

با این‌که حسن‌نیت در اکثر نظام‌های حقوقی شناخته شده و در مواد مختلفی از قوانین کشورهای لزوم رعایت آن مورد حکم قرار گرفته‌است، اما تعریف روشن و صریحی از آن ارائه نگردیده و علت این امر قصور یا بی‌توجهی مقنن یا دکتترین نیست، بلکه اساساً بعضی از مفاهیم واجد خصیصه‌ای هستند که شاید بتوان گفت مستغنی از تعریفند. حسن‌نیت مفهومی است که جنبه

علی انصاری  مفهوم و معنای حسن‌نیت در حقوق...

کمی نداشته، از کیفیات نفسانی و وجدانی محسوب می‌گردد که هر کس آن را به وضوح در خود می‌یابد. مثلاً همان‌طور که هر کس با معرفت به معنا و مفهوم نیکی و بدی در ارائه تعریف آن‌ها به صعوبت می‌افتد، حسن‌نیت نیز این‌گونه بوده، تعریفش کار دشواری است. با وجود این از آن‌جا که حسن‌نیت یک ضابطه حقوقی است که نه تنها رعایت آن الزامی است، بلکه همان‌طور که خواهیم گفت می‌تواند مبنای الزامات و تعهدات بسیاری نیز باشد، تدقیق در ماهیت و تبیین مفهوم آن و شناخت معنایش ضروری می‌نماید که موضوع مطالعه این مقاله است.

اهل فن نیز در این راه تلاش کرده و به رغم این‌که حسن‌نیت از تصورات بدیهی و بی‌نیاز از تعریف است بسنده نکرده‌اند. آنچه توجه به آن اهمیت موضوع را مضاعف و ملموس‌تر می‌سازد، این است که توصیف حسن‌نیت در حالات متفاوتی که ایفای نقش می‌کند متفاوت است؛ زیرا حسن‌نیت مفهومی مجرد و انتزاعی محسوب می‌شود که از انعطاف و ویژه‌ای برخوردار است و این خاصیت انعطاف و شکنندگی منحصر به مرحله نظر و تئوری آن نبوده، در عمل نیز این‌گونه است. این امر موجب می‌گردد که حسن‌نیت، نقش‌های متفاوتی را به خود بگیرد و در هر مورد نیز اثر مربوط به خود را دارا باشد.

حسن‌نیت به‌عنوان یکی از اصول مهم حقوق، اعم از داخلی و بین‌المللی، در تمام کشورها و نظام‌های حقوقی بروز و رونق یکسانی نداشته‌است. با این‌که ریشهٔ بیشتر نظام‌های حقوقی، حقوق رم بوده و در حقیقت از این نظام تأثیر گرفته‌اند، اما این تأثیرگذاری‌ها در مقوله حسن‌نیت یکسان نبوده و توسعه و کاربرد این مفهوم در کشورهای مختلف نیز متفاوت است.

حسن‌نیت در اسناد بین‌المللی نیز مورد توجه حقوقدانان قرار گرفته‌است. بند هفت ماده یک کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۱ تفسیر کنوانسیون موصوف را بر اساس حسن‌نیت لازم‌الرعایه دانسته‌است و شایان توجه این‌که بحث حسن‌نیت یکی از موضوعات اختلافی در کنوانسیون بود که کشورهای زیادی را به‌عنوان موافق و مخالف به خود مشغول داشت و عمده دلایل مخالفان، معطوف به اخلاقی کردن این مفهوم و مآلاً ابهام ذاتی آن و همچنین فقدان ضمانت اجرای نقض آن بود [۱، ص ۳۶۹] که البته درمقابل، اصرار موافقان به خاطر ضرورت جهانی اعمال آن در تحقق و توسعه عدالت قراردادی و اخلاقی کردن قواعد خشک حقوقی بود. اصول

1. Convention on Contracts for the International Sale of Goods (1980).

مدرس علوم انسانی - پژوهشهای حقوق تطبیقی _____ دوره ۱۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸

یکنواخت حقوقی^۱ نیز به صراحت در ماده ۷-۱ طرفین قرارداد را مکلف به رعایت حسن نیت در معامله منصفانه کرده است و همچنین اصول حقوقی قراردادهای اروپایی^۲ در برخی از مواد به طور مستقیم یا غیر مستقیم به این موضوع توجه کرده که از جمله این مواد بند ۱ ماده ۲۰۱-۱ و ماده ۲-۳۰۱ است.

در نظام حقوقی ایران که یک نظام اسلامی است، اصطلاح حسن نیت در قانون مدنی به کار نرفته، اما در قوانینی مانند قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ و قانون تجارت الکترونیکی ۱۳۸۲ و قانون تجارت ایران، این اصطلاح به صراحت به کار رفته است. البته این مفهوم در حقوق ایران ناشناخته نبوده و به طور غیرمستقیم الهام بخش مقنن در وضع مقررات بوده است. از این رو سعی شده با مطالعه تطبیقی حقوق فرانسه که در به کارگیری حسن نیت در قوانین تقدم دارد، و نخستین جایگاه قانونی حسن نیت است موضوع، تعریف گردد و مورد تحلیل قرار گیرد و به موازات آن، حقوق ایران نیز بررسی شده است و در حقیقت به این سؤالات پاسخ داده شده که حسن نیت چیست؟ آیا حسن نیت مفهومی بسیط است یا این که با توجه به کاربرد آن در حوزه های مختلف حقوق، تعریفی متغیر دارد؟ آیا نظام حقوقی ایران حسن نیت به طور کلی و حسن نیت در قراردادهای خاص پذیرفته و یا این که حسن نیت در حقوق ایران در قالب تأسیس یا نهاد دیگری شناخته شده و اگر چنین است این تأسیس چیست؟ آیا نمی توان گفت اصل حسن نیت به عنوان یک قاعده کلی در حقوق ایران وجود دارد و حتی بسیاری از تأسیس های حقوق مبتنی بر آن است؟

۲- تعریف حسن نیت

در تعریف حسن نیت، ابتدا ریشه لغوی آن بیان شده، آنگاه به معنای اصطلاحی آن خواهیم پرداخت.

حسن نیت، ترجمه اصطلاح «*bonne foi*» در حقوق فرانسه است که در حقوق سوئیس نیز تحت همین عنوان آمده؛ اما در آلمان تحت اصطلاح «*treu und glauben*» و در ایتالیا با عبارت «*buona fede*» و در حقوق کشورهای آمریکا و انگلیس تحت عبارت «*good faith*» مورد بحث قرار می گیرد. لکن اغلب آن ها ریشه رمی دارند و اصطلاح لاتین آن «*bona fides*» است. هر چند

1. Principles of International Commercial Contracts (1994).
2. Principles of European Contract Law (1998).

از لحاظ ادبی، این گفته که حسن‌نیت ترجمه این اصطلاحات است صحیح به نظر نمی‌رسد، اما در یک نگاه کلی این اصطلاحات واجد مفهومی مشابه بوده، با جوهره واحدی مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.

حسن‌نیت از دو واژه «حُسن» و «نیت» ترکیب یافته که در لغت «حُسن» به معنای «نیکو شدن، خوب‌شدن، زیباشدن و خوبی، نیکویی، زیبایی» [۲، ص ۷۹۲] و «نیت» به معنای «قصد، عزم، آهنگ» [۲، ص ۱۶۳۰] آمده‌است. در حالت ترکیبی می‌توان آن را به داشتن قصد، عزم و آهنگ نیکو معنا کرد. این مفهوم از معنای لغوی‌اش دور نیفتاده که علت آن را می‌توان جنبه اخلاقی آن دانست. حقوق نیز انتظار این تکلیف را دارد که با نیت خوب، مرادده کنیم. اما این یک روی سکه است و در برابر این اصطلاح، جنبه منفی آن نیز مورد توجه است که آن هم منحصر به یک واژه نیست. مفاهیم حيله، تقلب، سوءاستفاده از حق، و تدلیس که در مقابل مفهوم حسن‌نیت قرار دارند در تبیین این موضوع واجد اهمیتند («تُعرف الاشياء باضدادها»). در حقوق کیفری ایران، سوءنیت مورد توجه بوده و در حقوق مدنی نیز به آن عنایت شده، اما به حسن‌نیت، به‌صراحت توجه نگردیده‌است.

bona واژه‌ای لاتین است که به‌عنوان اسم، معنی کالا، مالکیت و تصرف می‌دهد. در حقوق رم، این واژه برای مشخص کردن تمام انواع مالکیت عینی، دینی و مختلط به کار می‌رفت، ولی به صورت دقیق و مضیق، به اموال عینی گفته می‌شد. واژه *biens* یک واژه فرانسوی است که به‌عنوان اسم به تمام جنبه‌های مالکیت گفته می‌شود و به‌عنوان صفت *bonus* به معنای خوب است و در صورت ترکیبی *bona fides* یا *good faith* که همان حسن‌نیت است از اصطلاح *bad faith* یا *mala fides* متمایز می‌شود [۳، ص ۳۸۵].

مجموعه قوانین هیچ یک از سیستم‌های حقوقی فرانسه و ایران تعریفی از حسن‌نیت^۱ ارائه نکرده و فقط در دکترین در مقام تعریف، مباحث و مطالبی مطرح شده که هیچ اجماعی نیز در تعاریف آن‌ها وجود ندارد. این عوامل سبب شده که این گونه تلقی گردد که حسن‌نیت، مفاد تحقیقی و دقیق نداشته، دارای حکم تقریبی و تخمینی است و صرفاً یک ایده کلی را ارائه می‌کند.

۱. حقوق آمریکا یک تعریف کلی از حسن نیت در بخش^(۱۹) ۱-۲۰۱ قانون یکنواخت تجاری (Uniform Commercial Code) ارائه داده که عبارت است از: «صداقت (درستکاری) در رفتار یا معاملات مربوط» و در ماده ۲-۲۰۱ در مورد صداقت می‌گوید: «رعایت استانداردهای متعارف عدالت در انجام تجارت».

حقوقدانان فرانسوی معتقدند که حسن نیت «راهنمای صادق و درست» است [۴، ش ۵] و «حسن نیت برای طلبکار نیز همانند بدهکار ضروری است» [۵، ص ۱۲۱] و برای شناخت آن باید به این توجه کرد که «صداقت مقتضی انجام چه چیزی است» [۶، ش ۳۷۹] بعضی افزوده‌اند حسن نیت «فقدان قصد بدخواهی (نیت بد) است» [۵، ص ۱۲۴] همچنین برای ارائه یک توصیف از آن بعضی از نویسندگان به بحث‌های اخلاقی روی آورده‌اند، از جمله این‌که «حسن نیت» بیان‌کننده احساس و درک حقوق از وجدان است که مدیون را ملزم می‌سازد تا در راه تأدیه دین نهایت گذشت و درستی را به عمل آورد و قانون نیز هر گونه حيله و فعالیت ماهرانه و نادرست را که از روی تقلب صورت می‌گیرد رد می‌کند. امروزه اکثر این مباحث علی‌رغم اهمیت فراوان آن‌ها بدیهی هستند [۷، ش ۵] با وجود این، تمام تعاریف حاکی از نوعی آشفتگی دگرگون در مورد حسن نیت است و حتی بعضی به صراحت اذعان کرده‌اند که ارائه تعریف از حسن نیت به لحاظ این‌که مفهومی مجرد است مقدور نیست [۸، ص ۳۹].

قانونگذار فرانسوی در سال ۱۸۰۴ میلادی در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه، رعایت حسن نیت را در اجرای قراردادها لازم دانسته است.

این ماده نیز بدون ارائه تعریفی از حسن نیت، صرفاً به تحلیل آن در قلمرو قراردادها توجه کرده و برخی از حقوقدانان به لزوم اجرای آن در قراردادها بسنده کرده‌اند. البته تعریف این گونه مفاهیم که در آغاز روشن می‌کنند، آسان نبوده، از ظرافت خاصی نیز برخوردار است. بدین ترتیب، این تأسیس حقوقی در حقوق فرانسه شهرت بسیاری داشته و در بسیاری از نوشته‌ها از آن سخن به میان آمده‌است. در برخی از این نوشته‌ها صرفاً به رعایت آن بسنده گردیده و ماهیتش، مورد تحلیل قرار نگرفته و بعضی دیگر از نویسندگان، آن را از حیث علمی و تجربی مورد بحث قرار داده و برخی دیگر به تبیین واقعه بعد از وقوع آن پرداخته و به عبارتی به بیان مطلب به صورت تحلیلی و تفسیری اقدام کرده‌اند؛ بدین معنا که آن را در متون قوانین بررسی کرده‌اند. عده‌ای «حسن نیت» را صرفنظر از مواد قانونی مربوط، مورد مطالعه قرار داده‌اند که این موضوع در حقوق ایران در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و پژوهش‌های مستوفایی در این خصوص به عمل آمده است. در این مقاله سعی گردیده با تتبع و بررسی در

1. Art. 1134: Les conventions légalement formées tiennent lieu de loi à ceux qui les ont faites. Elles ne peuvent être révoquées que de leur consentement mutuel, ou pour les causes que la loi autorise; Elles doivent être exécutées de bonne foi.

دکترین فرانسه و قانون مدنی فرانسه و ملاحظه رویکرد حقوق ایران به سؤالات مطرح‌شده پاسخ داده شود.

حسن‌نیت با توجه به کاربردهای متنوعش در زمینه‌های مختلف حقوقی، دارای دو معنای رایج‌تر «تصور اشتباه» و «صداقت یا درستی» است که در دو مبحث آتی مورد مطالعه قرار گرفته‌است. البته اشاره می‌کنیم که معنای حسن‌نیت محدود به این دو جنبه نیست، اما کلیت بحث در این دو معنا می‌گنجد.

۲-۱- تصور اشتباه^۱

یکی از نویسندگان فرانسوی در تعریف حسن‌نیت گفته‌است: حسن‌نیت به‌عنوان یک کلمه «اسم مرکب بوده و بیانگر رفتار با دقت و با دیانت است که با معیار اخلاقی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد» و نیز افزوده حسن‌نیت در معنای عام، «رفتاری است که بیانگر اعتقاد یا اراده منطبق کردن خود با حق است و به ذینفع اجازه عدول از حاکمیت قانون را می‌دهد» [۹، ص ۷۶].

به باور بعضی دیگر، حسن‌نیت اصطلاحی است که بسیاری از مواد قانون مدنی با آن برخورد دارند و دارای دو معنای جداگانه است که یکی از آن‌ها بسیار مشهور است: «شخص اشتبهاً تصور می‌کرده که اقدام او مطابق قانون است که به این تصور، آثار حقوقی بار می‌گردد تا از ذینفع در مقابل ضرری که به او در اجرای دقیق مقررات وارد شده‌است، حمایت کنیم، از قبیل ماده ۲۰۱ قانون مدنی فرانسه که در مورد ازدواج به شبهه مقرر می‌دارد: «ازدواجی که باطل اعلام گردیده، چنانچه از روی حسن‌نیت منعقد شده باشد، دارای آثار حقوقی فی‌مابین طرفین خواهد بود. اگر حسن‌نیت فقط از جانب یکی از زوجین وجود داشته باشد، ازدواج صرفاً نسبت به این زوج، آثاری به همراه خواهد داشت» [۱۰، ص ۴۶].

در این ماده به لحاظ وجود موانعی، طرفین نمی‌توانسته‌اند با یکدیگر عقد نکاح منعقد کنند، اما از آن‌جا که به وجود این موانع جهل داشته و به اشتباه تصور می‌کرده‌اند که می‌توانند با یکدیگر عقد نکاح منعقد کنند، عقدی را از روی حسن‌نیت منعقد کرده‌اند. قانونگذار برای این افراد که از روی حسن‌نیت به این کار روی آورده‌اند نه‌تنها مجازاتی تعیین نکرده، بلکه آن‌ها را مورد حمایت نیز قرار داده‌است.

1. croyance - érronée

همچنین ماده ۵۴۹ قانون مدنی در مورد متصرف با حسن نیت گفته است: «متصرف با حسن نیت، مالک منافع مال مورد تصرف است. در صورت فقدان حسن نیت باید عین و منافع را به مالک رد کند و اگر آن منافع در خارج وجود نداشته باشد باید قیمت یوم‌الاداء را به مالک بدهد».

در ماده ۱۱۴۱ قانون مدنی فرانسه هم آمده است: «اگر شیئی که شخص به طور متوالی، متعهد به دادن یا تسلیم کردن آن به دو نفر است، منقول باشد، نفری که تصرف عینی دارد ترجیح داده شده و مالک شناخته می‌شود؛ هرچند که سند او تاریخ مؤخر داشته باشد، البته مشروط بر این که تصرف او با حسن نیت باشد».

ماده ۱۳۸۰ قانون مدنی فرانسه می‌گوید: «اگر شخصی که با حسن نیت چیزی را به دست آورده، آن را فروخته باشد فقط ملزم به استرداد ثمن مبیع است».

نیز در ماده ۱۹۳۵ قانون مدنی آمده است: «اگر وارث مستودع از روی حسن نیت شئی را که به امانت آن جهل داشته است، فروخته باشد، فقط متعهد به برگرداندن ثمنی است که دریافت کرده است، یا متعهد به انتقال دعوا علیه خریداری است که ثمن را پرداخت نکرده است».

ماده ۲۰۰۹ قانون مدنی در مورد قرارداد ثالث با وکیلی که اختیارات وی منقضی شده و او اطلاع نداشته، می‌گوید: «در حالات فوق، تعهدات وکیل نسبت به اشخاص ثالثی که با حسن نیت هستند اجرا می‌شود».

ماده ۵۵۰ قانون مدنی فرانسه نیز مقرر می‌دارد: «متصرف زمانی دارنده با حسن نیت تلقی می‌شود که به موجب یک سبب مملک، بدون علم به معایب آن سبب، اقدام به تصرف کند. دارنده از زمان کشف خطای خود، حسن نیت را از دست می‌دهد». مطابق این ماده، جهل به عیوبی که در عنوان وجود دارد و آن عیوب مانع تحقق آثار انتقالند اساس حسن نیت را تشکیل داده است. به عبارت خلاصه‌تر، حسن نیت در این برداشت، همان جهل به عیوبی است که عمل یا وضعیت حقوقی را بی‌اثر کرده و در واقع، فرد از روی اشتباه خود را دارنده حق تلقی کرده است [۱۱]، ص ۱۷].

همان‌گونه که پیدا است در موارد اشاره شده، حسن نیت به معنای اشتباه یا جهل است و قانون مدنی فرانسه هم حسن نیت را تعریف نکرده و صرفاً یک قاعده کلی برای اثبات آن ارائه داده است.



ماده ۲۲۶۸ قانون مدنی فرانسه حسن‌نیت را مفروض دانسته و مدعی سوءنیت را مکلف به اثبات کرده‌است. دکترین برای این ماده اهمیت فراوانی قائل است و آن را در تمام زمینه‌هایی که مسأله حسن‌نیت مطرح می‌شود اعمال می‌کند [۱۲، ص ۷۸] به نظر برخی از نویسندگان، مبنای این موضوع، اخلاق است [۱۳، ص ۸۶]؛ زیرا عدم پذیرش آن، مستلزم «فرض سوءنیت» است و بسیار غیرعادلانه و غیراخلاقی است که سوءنیت را به‌عنوان یک اصل قلمداد کنیم. البته برخی، مبنای دیگری برای فرض حسن‌نیت آورده و گفته‌اند: فرض حسن‌نیت با قواعد ادله اثبات دعوا تناسب بیش‌تر دارد؛ زیرا حسن‌نیت به معنای جهل، یک مفهوم منفی است و اثبات یک امر عدمی دشوار است [۱۴، ش ۱۲۲].

هرچند در قانون مدنی ایران به‌صراحت حسن‌نیت وارد نشده، اما از نظر مفهومی، امری بدیع نبوده، در حقوق کشور ما نیز دارای سابقه است و حتی احکام متنوعی نیز بر مبنای آن صادر شده‌است. برای اثبات این مدعا، بررسی آن در حقوق ایران اهمیت مضاعفی دارد. عدم ظهور حسن‌نیت در قوانین و مقررات، این مفهوم را در حقوق ایران ناشناخته گذاشته و نویسندگان حقوقی نیز در گذشته کم‌تر به این مفهوم پرداخته‌اند. با استفاده از مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و استقرا در قوانین، از جمله قانون مدنی و نوشته‌های حقوقی سعی شده در تبیین این مهم، گامی در حد توان برداشته شود.

یکی از حقوقدانان ایرانی در تعریف حسن‌نیت گفته‌است: «کسی که اقدام به عمل حقوقی (مانند عقد یا ایقاع) یا عمل مادی که منشأ اثر یا آثار حقوقی است می‌کند و به صحت عمل خود اعتقاد دارد این اعتقاد او، حسن‌نیت است» [۱۵، ش ۲۶].

هرچند دکتر جعفری لنگرودی تعریف حسن‌نیت را در فصل مربوط به «عوامل مشخص‌کننده حدود تعهدات» آورده که با ملاحظه مقدمه آن معلوم می‌شود ایشان حسن‌نیت را از جمله عواملی می‌داند که سامان و حدود تعهدات ناشی از عقود را مشخص می‌کند، اما اذعان کرده‌اند که این عوامل ممکن است اختصاص به عقود نداشته باشند [۱۵، ش ۲۵۴] در مبحث آتی به تناسب موضوع، ایراد این تعریف آورده شده است که به نظر می‌رسد حسن‌نیت به معنای تصور اشتباه یا جهل در این نوشته مورد توجه قرار گرفته‌است. علی‌رغم دلالت این تعریف صرفاً بر معنای تصور اشتباه، به نظر می‌رسد ایراد دیگری نیز دارد و آن این‌که گاه حسن‌نیت، به شخصی نسبت داده می‌شود که به صحت عمل غیر اعتقاد دارد و اشتباهاً به رفتار او اعتماد

کرده و بر این اساس، عملی را انجام می‌دهد. مثلاً با ادعای یک فرد، مبنی بر طلبکار بودن یا وارث کسی بودن، خود را مدیون او فرض و دین را به او تأدیه می‌کند. در چنین صورتی که فرد، نه به اعتقاد صحت عمل خود، بلکه به گمان صحت عمل غیر اعتقاد دارد به او «شخص با حسن‌نیت» گفته می‌شود و این فرد نیز مورد حمایت مقنن قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از اساتید گفته‌است: «حسن‌نیت وضع فکری کسی است که از روی اشتباه اقدام به عمل حقوقی می‌کند و تصور می‌کند که عمل او بر وفق قانون است و حال این‌که موافق قانون نیست و مقنن در مقابل عواقب زیان‌آور آن عمل حقوقی، در حد معینی او را حمایت می‌کند، مانند صاحب یدی که تصور می‌کند با مالک واقعی معامله کرده و مال را از او گرفته‌است و حال این‌که با غاصب معامله کرده‌است (ماده ۳۰۴ ق.م). حسن‌نیت در حقوق ایران قبول نشده‌است و ضمانت‌اجرای مواد ۳۰۱ به بعد قانون مدنی ایران با فقه امامیه متناسب بوده و با فرانسه انطباق ندارد» [۱۶، ص ۲۵].

حسن‌نیت در این معنا به‌طور خلاصه ناظر به جهل شخص به وضعیت حقوقی خود یا طرف مقابل است که به موجب این جهل، وی یک عمل حقوقی را انجام می‌دهد. اما پاسخ این سؤال که آیا حسن‌نیت به این معنا در قانون مدنی یا سایر قوانین ایران نیز جایگاهی دارد، مثبت است.

یکی از مواردی که براساس این معنا در حقوق مدنی ایران بنیان نهاده شده، احکام مربوط به وطی به شبهه است و آن ناظر به حالتی است که فردی با کسی که دارای موانع نکاح است و او نسبت به آن موانع در اشتباه باشد نزدیکی می‌کند. چنین عملی، زنا محسوب نشده و طفل متولد از نزدیکی به شبهه، ملحق به طرفی است که در اشتباه بوده‌است.

دکتر جعفری لنگرودی با توجه به تعریفی که از حسن‌نیت ارائه داده، اعتقاد دارد «وطی به شبهه که در مواد ۱۱۶۴ و ۱۱۶۵ قانون مدنی ذکر شده‌است از نمونه‌های بارز حسن‌نیت است، زیرا واطی، طبق تعریف حسن‌نیت، آگاه از نقص عمل خود نبوده و اعتقاد به صحت عمل خود دارد» [۱۵، ص ۲۰۶].

به نظر ما نیز این حکم مقرر در قانون مدنی که ریشه در فقه دارد به‌طور کامل با این معنای حسن‌نیت منطبق است و طبق آن، قانونگذار نه‌تنها فرد جاهل به وضعیت غیر قانونی خود را مورد مجازات قرار نمی‌دهد، بلکه از او حمایت نیز می‌کند، زیرا چنین شخصی بر این گمان بوده



که کار درست و قانونی را انجام داده و مرتکب عمل نادرستی نمی‌گردد.

ماده ۶۸۰ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد: «تمام اموری که وکیل، قبل از رسیدن خبر عزل به او در حدود وکالت خود بنماید نسبت به موکل نافذ است». علت وضع مقرر مزبور این است که روابط خصوصی افراد حفظ شود و حقوق اشخاص ثالث هم تضییع نگردد، زیرا ممکن است وکیل، پس از انعقاد عقد وکالت و پیش از اعلان و ابلاغ خبر عزلش، معاملاتی را بر روی اموال موکل انجام داده و یا عقد نکاحی برای موکل منعقد کرده باشد و اگر موکل بتواند به استناد این عزل، از حقوق و تعهدات ناشی از قرار داد وکیل شانه خالی کند به ثالث ضرر وارد می‌شود و نظم عمومی جامعه نیز مختل می‌گردد.

از طرفی، موکل قاعداً در هر زمان که بخواهد می‌تواند وکیل را عزل کند، جز در مواردی که این حق عزل به نوعی از او ساقط شده و یا محدود شده باشد؛ اما مطابق این معنای حسن نیت، مادام که وکیل به این عزل جاهل بوده و با اعتقاد به این‌که عقد وکالت هنوز معتبر است اقدامات و اعمال حقوقی را وکالتاً انجام می‌دهد آن اقدامات نسبت به موکل نافذ و معتبر است. ماده ۲۰۰۸ قانون مدنی فرانسه نیز در این مورد گفته است: «اگر وکیل به لحاظ جهل به تحقق اسباب انفساخ عقد وکالت، اعم از عزل یا موت، عمل به وکالت کند عمل او صحیح است». در حالی‌که ماده ۶۸۰ قانون مدنی ایران صرفاً ناظر به عزل بوده، منصرف از سایر اسباب انحلال عقد وکالت است؛ زیرا این اسباب در قانون مدنی ایران به پیروی از فقه از تاریخ تحقق، موجب زوال وکالت است، نه از تاریخ اعلان. به هر حال به نظر می‌رسد مدلول ماده ۶۸۰ قانون مدنی ایران که ریشه در فقه نیز دارد به نوعی بیانگر نفوذ مفهوم حسن نیت در سیستم حقوقی ایران است.

مبحث غصب در قانون مدنی از جمله مباحث دیگری است که ممکن است دلیل بر طرد این نظریه و عدم پذیرش حسن نیت در حقوق ایران باشد [۱۶، ص ۲۵].

ماده ۳۰۸ قانون مدنی می‌گوید: «غصب استیلا بر حق غیر است، به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است».

در مورد غصب حقیقی، از آن‌جا که غاصب سوءنیت دارد اعمال مقررات غصب در موردش با اشکالی مواجه نیست، اما در مورد غصب حکمی یا شبه‌غصب (قسمت اخیر ماده ۳۰۸ قانون مدنی که حسب آن، فرد از روی جهل و بدون علم در مال غیر تصرف می‌کند و در واقع

سوءنیت ندارد) اعمال مقررات غصب محل بحث بوده، ممکن است اینگونه استدلال شود که قانونگذار ایرانی برای حالت سوءنیت و حسننیت فرقی قائل نشده و با هر دو یکسان برخورد کرده است.

ماده ۳۲۳ قانون مدنی در ادامه احکام غصب آورده است: «اگر کسی مال مغضوب را از غاصب بخرد آن کس نیز ضامن است و مالک می‌تواند بر طبق مقررات مواد فوق به هر یک از بایع و مشتری رجوع کرده، عین و در صورت تلف شدن آن، مثل یا قیمت مال و همچنین منافع آن را در هر حال مطالبه کند». ضامن قرار دادن خریدار مال مغضوب، بدون توجه به علم و جهل وی، از این حیث، با این معنای حسننیت که جاهل غالباً فرد با حسننیت است و چنین فردی نیز باید مورد حمایت قانونگذار قرار بگیرد، همسویی ندارد؛ کمابین که در پاره‌ای از موارد نیز همان‌طور که اشاره کردیم مقنن او را مورد حمایت قرار نداده و لذا ممکن است این امر موجب تقویت این شائبه گردد که حسننیت در حقوق ایران پذیرفته نیست؛ در حالی که در سیستم حقوق فرانسه مطابق ماده ۵۴۹ قانون مدنی آن کشور، فرد با حسننیت در طول مدتی که حسننیت دارد مالک منافع فائده و مستوفات است و هیچ‌گونه خسارتی بابت این منافع نباید بپردازد، مضافاً این‌که ضامن تلف و نقص عین مورد معامله هم در این ایام نخواهد بود.

اما در ماده ۳۲۵ قانون مدنی ایران آمده است: «اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع کرده باشد، او نیز می‌تواند نسبت به ثمن و خسارت به بایع رجوع کند؛ اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد و اگر مالک نسبت به مثل یا قیمت رجوع به بایع کند بایع حق رجوع به مشتری را نخواهد داشت».

با ملاحظه و مذاقه در مفاد این ماده این‌گونه تحلیل می‌شود که قانونگذار به حسننیت خریدار جاهل بی توجه نبوده و نهایتاً او را مورد حمایت قرار داده است. به عبارت دیگر، هرچند در ماده ۳۲۳ قانون مدنی خریدار از غاصب به نحو مطلق و بدون توجه به علم و جهل، ضامن شناخته شده است، اما این حکم برای تسهیل مالک مال در وصول به مالش مقرر شده و در حقیقت حمایت از او را تقویت کرده است؛ اما نمی‌تواند دلیلی بر نفی حمایت از خریدار جاهل باشد، زیرا مقنن در ماده ۳۲۵، خریدار جاهل را شبیه آنچه در حقوق فرانسه وجود دارد مورد حمایت قرار داده و حق رجوع او به بایع را بابت ثمن و خسارات، مسلم فرض کرده و در واقع با چنین حکمی، او را غاصب تلقی نکرده است. در حقیقت، حقوق ایران گرچه همانند حقوق

فرانسه به‌طور وسیع از شخص با حسن‌نیت حمایت نکرده، لکن اصل حمایت از شخص با حسن‌نیت (جاهل) به‌روشنی مورد توجه مقنن قرار گرفته‌است.

ماده ۳۲۴ قانون مدنی ایران در بیان حکم مشتری عالم به غصب نیز مؤید این برداشت است که خریدار جاهل، شخص با حسن‌نیت است؛ زیرا او به اعتماد این‌که بائع، مالک واقعی محسوب می‌شده اقدام به خریداری کرده و قانونگذار نیز این اعتماد را مورد حمایت قرار داده‌است.

در عقد فضولی نیز اگر متعامل جاهل باشد - یعنی حسن‌نیت داشته باشد - حق دارد پس از رد مال به مالک و دادن غرامات، به بائع فضولی مراجعه کند و ثمن و غرامات را بگیرد، اما اگر جاهل نباشد (حسن‌نیت نداشته باشد) فقط می‌تواند ثمن را از بائع فضولی مطالبه کند (ماده ۲۶۳ قانون مدنی).

از این رو، این معنای حسن‌نیت نیز در حقوق ایران وجود داشته و شخص با حسن‌نیت در پاره‌ای از موارد به‌طور مستقیم و در برخی موارد به نحو غیرمستقیم مورد حمایت قانونگذار قرار گرفته‌است. هرچند دلالت مطابقی قوانین، ناظر به این اصطلاح نیست، اما دلالت التزامی بر وجود چنین مفهومی متنوع و فراوان است.

بنابراین در تمام این موارد، فرد با حسن‌نیت به کسی اطلاق می‌گردد که با جهل به وضع حقوقی خود یا طرف مقابل یا وجود یک رابطه، اشتبهاً عملی را انجام می‌دهد که در حقیقت نبایست آن را انجام می‌داد. قانونگذار نیز این اقدام را بی‌اثر ندانسته و این اقدام صورت گرفته بر مبنای جهل یا اشتباه را اقدامی با حسن‌نیت تلقی کرده و مرتکب آن را مورد حمایت قرار داده‌است.

حسن‌نیت، معنای اصطلاحی دیگری مانند صداقت یا درستی نیز دارد که در مبحث آتی آمده‌است.

۲-۲- صدافت^۱

یکی از نویسندگان فرانسوی در بیان معنای حسن‌نیت گفته‌است: حسن‌نیت یک معنای اصطلاحی دیگر نیز دارد که مترادف درستی یا صداقت است [۱۰، ص ۴۶]، مانند آنچه در ماده ۱۲۶۸ قانون مدنی در مورد مدیون بدشانس و با حسن‌نیت آمده بود که این ماده در سال ۱۹۹۳

1. loyauté

لغو گردید. همچنین شبیه آنچه در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی مقرر شده است: «قراردادها باید با حسن نیت اجرا گردند».

به نظر یکی از مؤلفان فرانسوی: «حسن نیت در ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه، همان اراده نیکو، صداقت و همکاری با طرف دیگر قرارداد و در یک کلمه، دوست داشتن او همچون برادر است» [۱۷، ش ۲۰۱].

یکی دیگر از نویسندگان با اذعان به ابهام معنای حسن نیت و گوناگونی آن در حالات مختلف عقیده دارد: مفهوم حسن نیت با مفهوم عمل به انصاف و درستکاری در روابط حقوقی به ویژه در روابط طرفینی ارتباط دارد و افراد باید در تعامل با یکدیگر با نهایت درستکاری و انصاف و بدون هرگونه اغفال و خیانت رفتار کنند [۱۸، ص ۱۰] وی گفته است: حسن نیت در مقابل تقلب و تدلیس قرار می گیرد، به طوری که حتی در زمان قدیم، هر یک از این مفاهیم را با دیگری خلط می کردند [۱۸، ص ۱۰].

مطابق نظر یکی دیگر از مؤلفان فرانسوی، هرچند ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه، حسن نیت را تعریف نکرده، اما با ملاحظه آرای قضایی این گونه برداشت می گردد که حسن نیت، همان تکلیف صداقت در روابط قراردادی است و حتی با ملاحظه ماده ۵۵ قانون مورخ ۱۱ مارس ۱۹۵۷ میلادی در مورد مالکیت ادبی و هنری، می توان آن را تعهد به همکاری نیز دانست که طرفین باید در روابط فی مابین با نهایت دقت، اقدام کنند [۱۹، ش ۳۸۶].

یکی دیگر از نویسندگان در تألیف مربوط به لغات و اصطلاحاتی که معانی متعدد و گوناگون دارند [۲۰، ص ۶۹] حسن نیت را نیز از این نوع کلمات برشمرده و معانی آن را در چهار گروه مختلف آورده و در گروه اول گفته است: معنای کلی کلمه حسن نیت به ایده کلی درستی، صداقت و راستی در روابط قراردادی برمی گردد؛ از قبیل:

الف) حسن نیت در مقابل تدلیس و اکراه هنگام انعقاد قرارداد.

ب) حسن نیت در مقابل اصطلاح «حقوق دقیق»^۱. وی اضافه کرده که حسن نیت در این دو بند درصدد بیان آن است که باید مطابق قصد مشترک طرفین یا براساس هدفی که طرفین از انعقاد قرارداد داشته اند رفتار کرد و آنچه در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه آمده هم مفید این معنا از حسن نیت است.

1. droit strict



ج) حسن‌نیت در مقابل تقلب. در این معنا، حسن‌نیت مترادف درستی یا راستی است که در مواد ۱۱۴۷، ۱۲۴۰، ۱۱۵۰، ۱۸۶۹ قانون مدنی فرانسه آمده و مطابق آن، حسن‌نیت هرگونه تقلبی را نفی می‌کند، اما بیانگر فقدان تقصیر نیست.

در گروه دوم، حسن‌نیت، فقدان تقصیر از جانب بعضی از اشخاص معنا شده است. این معنا در ماده ۱۲۶۸ قانون مدنی فرانسه در مورد بدهکاری که می‌خواهد از انتقال اموال خود نفع ببرد، استفاده شده بود. در واقع، این مفهوم در مورد بدهکاری مصداق پیدا می‌کرد که بدون ارتکاب هیچ تقصیری، معسر شده بود.

در گروه سوم، حسن‌نیت به حالت جهل یک شخص گفته می‌شود که خواه نسبت به یک حق شخصی یا از قاعده واقعی حقوق جاهل باشد، مانند آنچه در مورد مواد ۲۰۱ و ۲۰۲ و یا مواد ۱۶۴۵ و ۲۰۰۹ قانون مدنی فرانسه در مبحث پیشین گفته شد.

در گروه چهارم، حسن‌نیت شبیه چیزی است که در ماده ۲۲۶۸ قانون مدنی ذکر شده و آن چنان اهمیتی پیدا می‌کند که سایر معانی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

در ماده ۲۲۶۸ قانون مدنی آمده است: «حسن‌نیت همیشه مفروض است و کسی که مدعی انتقال با سوءنیت است باید آن را اثبات کند». در حقیقت، هرچند این ماده در فصل تملک در اثر تصرف آمده است، اما اصل مقرر شده در این ماده تمام موضوعات حقوق را احاطه کرده و این معنای حسن‌نیت، قلمرو وسیع دارد. به هر حال، حقوق تعهدات کشورهای اروپایی تابع نظام رمی-ژرمنی، اصل حسن‌نیت را به یک روش ایجابی (مثبت) به‌عنوان یک اصل اساسی در حقوق قراردادهای تأیید و تصدیق می‌کند و در پاره‌ای از موارد نیز مرتکبان تقلب و تدلیس را مسئول دانسته که با دقت در این موارد، این‌گونه برداشت می‌شود که رعایت حسن‌نیت به‌صورت سلبی (منفی) نیز مورد حکم قرار گرفته است.

آنچه در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه به کار رفته، حسن‌نیت به معنای صداقت و درستی است. این برداشت دوگانه در حقوق فرانسه با حقوق رم و همچنین حقوق آلمان نیز مطابقت دارد^۱ و عده زیادی از مؤلفان فرانسه نیز با دوگانه بودن مفهوم حسن‌نیت موافق هستند [۲۱، ص ۴۳، ۱۴، ص ۴۳ به بعد].

مراد از حسن‌نیت در قراردادهای، معنایی از حسن‌نیت است که دلالت بر صداقت و درستی

۱. حقوق آلمان برای باور غلط (تصور اشتباه) اصطلاح *guter clauben* و برای صداقت *true and clauben* به کار می‌برند.

دارد و بیانگر یک اصل تکلیفی بوده، مطابق آن، متعاقدان در یک نگاه کلی باید صداقت را رعایت کنند. اما حسن‌نیت به معنای تصور اشتباه که جوهره آن را جهل تشکیل می‌دهد، در حقیقت، یک اصل حمایتی است که قانونگذار افراد را به وسیله آن مورد حمایت قرار می‌دهد و بیش‌تر در حوزه اموال و نکاح و یا اسناد تجاری کاربرد دارد.

همان‌گونه که بیان گردید، عقیده داریم حسن‌نیت در حقوق ایران پذیرفته شده و احکام متنوعی نیز بر مبنای آن صادر شده‌است؛ لکن ابتدا ضروری است به تعریف حسن‌نیت در حقوق ایران بپردازیم. از این رو سعی داریم با استقرا در قوانین و مقررات و نوشته‌های حقوقدانان ایران و آنگاه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، حسن‌نیت را در حقوق ایران تعریف کنیم. یکی از حقوقدانان ایرانی عقیده دارد که قانونگذار ما سهواً حسن‌نیت را در قانون مدنی نیاورده‌است [۲۲، ص ۷] به عبارتی وقتی نویسندگان قانون مدنی ایران در سال ۱۳۰۷ در حال تدوین آن بودند و ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران را که دارای مفادی مشابه با ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه است می‌نگاشتند، ترجمه بند ۳ از ماده مذکور را از یاد برده‌اند. مع‌الوصف این حقوقدان تعریفی از آن ارائه نداده و توضیحی را نیز متذکر نگردیده‌است.

دکتر جعفری لنگرودی نیز تعریف حسن‌نیت را در فصل مربوط به «عوامل مشخص‌کننده حدود تعهدات» آورده که با مطالعه مقدمه آن معلوم می‌شود، ایشان حسن‌نیت را از جمله عواملی می‌داند که سامان و حدود تعهدات ناشی از عقود را مشخص می‌کند و اذعان نیز دارند که این عوامل ممکن است اختصاص به عقود نداشته باشند [۱۵، ش ۲۵۴]؛ لکن ایشان به‌نحوی در تعریف حسن‌نیت ورود کرده‌است که صرفاً یکی از معانی دوگانه حسن‌نیت (تصور اشتباه) مورد توجه قرار گرفته و در واقع از معنای دیگر حسن‌نیت (راستی و صداقت) که در عقود و قراردادهای جایگاه مهمی دارد، غافل مانده‌است. همچنین تعریف ارائه شده با آنچه در بند ۳ ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه آمده‌است، تطابق و قرابت چندانی ندارد. مع‌الوصف گرچه جای بسی خرسندی است که حداقل به‌صراحت تعریفی از آن آورده شده‌است، اما همان‌گونه که گفتیم حسن‌نیت واجد دو معنا است. در معنای تصور اشتباه گفتیم که جوهره آن را جهل تشکیل می‌دهد و دیگری مربوط به وجدان است و مفید معانی مختلف از جمله صداقت و درستی است. در تعریف یاد شده، صرفاً یک معنای آن مورد توجه قرار گرفته که اتفاقاً آن معنا (تصور اشتباه) در قلمرو قراردادهای نقش چندانی ندارد. از این رو، این تعریف از



این حیث که ناظر به هر دو معنای آن نیست، جامع محسوب نمی‌شود؛ صرف‌نظر از این‌که به اعتقاد ما در بیان همان معنای ارائه شده نیز چنان‌که خواهیم گفت، جامع نیست.

به نظر بعضی از حقوقدانان ایران، هرچند مفاد بند سوم ماده ۱۱۳۴ قانون مدنی فرانسه در ماده ۲۱۹ قانون مدنی ایران انعکاس نیافته، لکن حسن‌نیت را می‌توان در پرتو مقررات دیگر قانون مدنی، نظیر مقررات حاکمیت عرف در تعیین نتایج عقد و تفسیر قرارداد (مواد ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۵ و ۲۲۴ قانون مدنی) دریافت [۲۳، ص ۲۷۵].

مرحوم استاد دکتر شهیدی گفته‌اند: «در حقوق ایران، اصلی به‌عنوان حسن‌نیت در قرارداد پیش بینی نشده‌است، لکن با مطالعه موارد لزوم حسن‌نیت در حقوق بیگانه می‌توان عرف و عادت را که ضابطه‌ای برای تعیین روابط قراردادی طرفین در حقوق ایران است، جز در موارد استثنایی وارد در برخی از آرای قضایی جانشین حسن‌نیت دانست» [۲۳، ش ۷۴] و مواد ۲۲۰ و ۲۲۵ و ۲۷۹ قانون مدنی را از مصادیق اعمال حسن‌نیت معرفی می‌کنند. ایشان در این عرصه تنها نیست و قبلاً عده‌ای دیگر نیز به این نتیجه رسیده بودند. مرحوم مصطفی عدل در کتاب حقوق مدنی خود اجرای ماده ۲۲۰ قانون مدنی را بر مقصود طرفین و حسن‌نیت مبتنی کرده و گفته‌است: «گرچه این نکته در قانون مدنی تصریح نشده، ولی از مفاد ماده ۲۲۰ کاملاً استنباط می‌شود که مقصود مقنن همین بوده‌است ... پس معلوم است که مقنن خواسته است اجرای عقود از روی حسن‌نیت و بر طبق قصد طرفین باشد والا متعاملین را به تحمل کلیه نتایج آن، حتی نتایجی که به موجب عرف و عادت حاصل می‌شود و در عقد تصریح نشده‌است ملزم نمی‌نمود» [۲۵، ص ۱۱۱] بعضی دیگر از نویسندگان، وجود چنین وضعی را در حقوق ایران محل تردید دانسته، ابراز عقیده کرده‌اند که حسن‌نیت به عرف نزدیک است و با مراجعه به عرف می‌توان به مقتضای اصل حسن‌نیت دست یافت [۲۵، ص ۴۷-۴۵].

اما برخی دیگر از اساتید حقوق، حسن‌نیت را پذیرفته و در آثار خود به آن استناد کرده‌اند: «دادرسی می‌تواند آنچه را رفتار انسانی با حسن‌نیت و منصف می‌بینید زیر عنوان شرط ضمنی و شرط بنایی در عقد اجرا کند و از اتهام تحریف قرارداد نیز به دوربماند» [۲۷، ص ۵۷] اینان حتی در بحث عدم تأثیر ابطال قوانین در حق کسانی که با حسن‌نیت به آن عمل کرده‌اند نیز آن را مورد توجه قرار داده‌اند [۲۸، ص ۳۹]، لکن تاکنون تعریفی از آن ارائه نداده‌اند.

برخی دیگر از نویسندگان، حسن‌نیت را مفهومی سهل و ممتنع دانسته، آن را «انتظار یک

طرف قرارداد از طرف دیگر که وظایف قراردادی خود را صادقانه و منصفانه انجام دهد، به‌گونه‌ای که در جامعه تجاری قابل قبول باشد» قلمداد کرده‌اند [۲۷، ص ۱۴۱] و عده‌ای دیگر با تکیه بر ضرورت جامعه بشری به حسن‌نیت، تعریف آن را نادرست دانسته و تشریح آن را لازم شمرده‌اند [۲۸، ص ۳۶۸].

در مورد نظر آن دسته از حقوقدانان که عرف و عادت را به‌عنوان حسن‌نیت می‌دانند، اعتقاد ما بر این است که رجوع به عرف و یا عادت متعارف می‌تواند یکی از ضوابط احراز حسن‌نیت قرار بگیرد. به عبارت دیگر برای این‌که معلوم کنیم چه رفتار و اقدامی مطابق حسن‌نیت است ناگزیریم به عرف و عادت مراجعه کنیم؛ اما به نظر می‌رسد نمی‌توان به این نکته قائل شد که مفهوم حسن‌نیت با عرف و عادت انطباق کامل دارد. گفتنی است امکان دارد که در وضعیتی، حسن‌نیت مستلزم رفتاری ظریف‌تر و با دقت‌تر از آنچه عرف اقتضا می‌کند باشد. با وجود این، رویه غالب این است که ضابطه اثباتی حسن‌نیت را با رجوع به عرف احراز می‌کنند.

عرف در نظر مرحوم استاد دکتر شهیدی «انس ذهن جامعه یا گروه خاص به امری که مربوط به روابط حقوقی است» محسوب می‌شود [۲۳، ش ۱۶۹]: اما آیا می‌توان گفت هر چیز که ذهن جامعه یا گروهی خاص با آن مأنوس است بیانگر حسن‌نیت است؟ آیا انس ذهنی چند نفر را می‌توان حسن‌نیت دانست؟

حسن‌نیت، مفهومی انتزاعی و بسیط است، درحالی‌که عرف، امری متغیر بوده، تابع شرایط مکانی و زمانی است. حسن‌نیت امروزه یکی از اصول انکارناپذیر جهانی است که شرط خلاف یا تحدید آن برخلاف انتظار عمومی است. اما قواعد منبعث از عرف در زمره قواعد تکمیلی بوده، در پاره‌ای از موارد، قابلیت عدول دارند و اسقاط‌پذیرند. بنابراین، حسن‌نیت با عرف تفاوت بسیار دارد و به نظر ما حسن‌نیت پالاینده عرف نیز به شمار می‌رود. حسن‌نیت، دائمی است، اما عرف زودگذر و متغیر است و در حقیقت باید اصالت حسن‌نیت را در مقابل عرف مسلم دانست. به نظر برخی «مبنای قدرت عرف از لحاظ ماهوی طبیعت انسان و زندگی اجتماعی است، ولی از لحاظ صورت خارجی، دخالت دولت ضروری است و این دخالت به صورت اجازه قانون یا رویه قضایی است» [۳۱، ش ۲۹۴] اما حسن‌نیت از جمله اصول حقوقی است که نیازمند اجازه قانونگذار نیست، زیرا اصول «به منزله بند و بست‌های ساختار حقوقی‌اند که لازمه هر جامعه حقوقی است» [۳۲، ص ۴۹۰] و مطابق ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب

در امور مدنی [مصوب ۱۳۷۹] قاضی مکلف به رعایت «اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد» گردیده است.

بدیهی است آنچه از مفهوم حسن‌نیت به ذهن متبادر می‌شود به نحوی است که نمی‌توان معنای آن را در نظام حقوقی ایران نادیده گرفت و این مفهوم، خود ملهم قواعد و قوانین متنوعی است؛ اما نگارنده، این نوع نگرش به حسن‌نیت را که یک نگرش کلی و بی‌حدود و ثغور است نمی‌پذیرد، زیرا ابهامی را که در این اصل وجود دارد رفع نمی‌کند.

بنابراین، آنچه مورد توجه این نوشته است، حسن‌نیت به معنای دقیق کلمه است که در سایر نظام‌های حقوقی و به‌ویژه در حقوق فرانسه، که مشخصاً مورد مطالعه ما قرار گرفته، مفید آثار و احکام بوده و ضمانت‌اجراهایی هم یافته است. ما نیز به این ایده اساسی که حسن‌نیت یکی از عوامل اخلاقی کردن حقوق است، معتقدیم، اما می‌خواهیم بدانیم آیا حسن‌نیت با آن معنای دوگانه در فرانسه در حقوق ایران نیز جایگاهی دارد؟

برای پاسخ به این سؤال به دیدگاه حقوقدانان در مورد حسن‌نیت اشاره کردیم که یا تعریفی ارائه نداده و یا این‌که به جنبه‌ای از آن توجه کرده بودند. لذا با استناد به آن‌ها نمی‌توان پاسخ روشن و دقیقی ارائه کرد. از این رو سعی داریم با بررسی قوانین موضوعه، حسن‌نیت و معنای آن را ارائه کنیم. در مورد حسن‌نیت به معنای تصور اشتباه در حد بضاعت این‌گونه اقدام کردیم و اینک حسن‌نیت به معنای صداقت را در قوانین جستجو می‌کنیم.

حسن‌نیت در مقررات مختلف حقوق مدنی و همچنین حقوق تجارت و حقوق بیمه، اثر بارز دارد. قبل از بیان مواد قانونی مرتبط با حسن‌نیت، لازم است به جلوه دیگری از توجهی که در حقوق ایران نسبت به حسن‌نیت وجود دارد، اشاره کنیم. دانستیم که حسن‌نیت یک مفهوم پرابهام، متواپی و واجد معانی متعدد است. در این بین، دو مفهوم در حقوق فرانسه اهمیت بیشتری یافته و احکام قانونی را براساس آن توجیه کرده‌اند و بیان این معانی گاه به صورت ایجابی و گاه به‌طور سلبی صورت گرفته است. در حقوق ایران نیز گرچه صراحتاً حسن‌نیت به‌طور ایجابی مورد حکم واقع نشده، اما قانونگذار در پاره‌ای از موارد با ممنوع دانستن برخی اعمال و نهی کردن از رفتارهایی دیگر، به‌طور سلبی، حسن‌نیت را لازم دانسته است. مثلاً مقنن با تبیین قاعده لاضرر در اصل چهارم قانون اساسی و نفی سوءاستفاده از حق، در واقع حسن‌نیت را در مرحله اجرای حقوق و انجام تعهدات، ضروری دانسته است. بنابراین برای یافتن مفهوم

حسن‌نیت در حقوق ایران باید احکام ناظر به مفاهیم مخالف حسن‌نیت نیز مورد توجه قرار گیرد.

ماده ۶۵ قانون مدنی ایران مقرر می‌دارد: «صحت وقفی که به علت اضرار دیان واقف واقع شده باشد منوط به اجازه دیان است». هرچند عدم نفوذ عقد وقف در این مورد براساس قاعده لاضرر شکل گرفته‌است، اما با ممنوع بودن اضرار به غیر، در واقع، رعایت صداقت و درستی در معاملات مورد توجه جدی بوده‌است. در این باره مدیون که بستانکارانی دارد، نمی‌تواند به قصد محروم کردن آن‌ها از وصول طلب خود، اموالش را وقف کند. وجدان حکم می‌کند که مدیون با صداقت و درستی از کتمان اموال خود ویا اقدام به هر امری برای خارج کردن آن‌ها از دسترس طلبکاران اجتناب ورزد. حسن‌نیت در این گونه موارد، او را ملزم می‌کند تا صادقانه رفتار کند و عدم رعایت چنین رفتاری در پاره‌ای از موارد، ضمانت‌اجرای کیفری نیز یافته و جرم تلقی شده‌است.

مطابق ماده ۲۷۹ قانون مدنی در فرضی که موضوع تعهد عین کلی است، حسن‌نیت، مانع از تسلیم کالای معیوب می‌گردد (ماده ۲۷۹ ق.م).

بحث دعاوی واهی (ماده ۱۰۹ قانون آیین‌دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹)، اعاده دادرسی مقرر در ماده ۴۲۹ همان قانون ویا دعوی ورود و جلب ثالثی که با تبانی و قصد تأخیر رسیدگی مطرح می‌گردند (مواد ۱۳۳ و ۱۳۶ همین قانون) و تعیین ضمانت‌اجراهای قانونی برای آن نشان‌دهنده لزوم حسن‌نیت در اقامه دعوا (رعایت صداقت و اجتناب از تقلب) است.

بنابراین در مواد یاد شده، هرچند به صراحت رعایت حسن‌نیت مورد حکم قرار نگرفته‌است، اما نهی از تقلب و اضرار به دیگران، جنبه سلبی و منفی امر به صداقت و درستکاری است که تئوری حسن‌نیت، همچنین درصدد بیان این مفهوم است.

اما ماده ۳۳۷ قانون تجارت به صورت ایجابی و مثبت به نوعی دیگر به این مفهوم پرداخته و آورده‌است: «دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت، طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو این‌که دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند دلال در مقابل هر یک از طرفین مسؤول تقلب و تقصیرات خود می‌باشد».

همان‌طور که پیدا است عبارت «در نهایت صحت و از روی صداقت» در این ماده به صراحت،

یکی از معانی حسن نیت را بیان کرده است. در این قانون چنانچه حق العمل کار، کار نادرستی انجام دهد مستحق اجرت نیست (ماده ۳۷۰) و ارسال کننده باید هنگام ارسال، مواردی را با دقت رعایت کند (ماده ۳۷۹ ق.ت) و عزل قائم مقام تجارتي باید ثبت و اعلان گردد والا در مقابل ثالث بی اطلاع، اثری ندارد (ماده ۳۹۹).

گفتیم که در حقوق فرانسه، حسن نیت به معنای فقدان قصد بدخواهی و یا عدم تقلب نیز به کار رفته است. این برداشت در حقیقت، همان جنبه منفی و سلبی حسن نیت به معنای صداقت است. این تعبیر از حسن نیت در قانون مدنی ایران در بحث خیار تدلیس جلوه بارز دارد. در حقوق سایر کشورهای جهان نیز این گونه است و فرد متوسل به حيله و نیرنگ را مجازات کرده، برای اقدامات حقوقی او ضمانت اجرای فسخ یا بطلان نسبی تعیین کرده اند.

ماده ۴۳۸ قانون مدنی در تعریف تدلیس گفته است: «تدلیس عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود». در ماده ۴۳۹ برای شخص فریب خورده حق فسخ پیش بینی شده است. عنصر مادی تدلیس، کار فریبنده است که می تواند بیان دروغ و یا کتمان واقعیت باشد. حتی سکوت طرف قرارداد می تواند در پاره ای از موارد با وجود برخی اوضاع و احوال، تدلیس تلقی گردد. بعضی از نویسندگان، اعتقاد دارند که حسن نیت در قرارداد ایجاب می کند که طرفین قرارداد از دروغ و کتمان بپرهیزند [۳۳، ص ۳۲۳].

در حقوق بین الملل خصوصی نیز مسأله تقلب نسبت به قانون می تواند با این مفهوم توجیه گردد [۳۴، ص ۱۲۷ به بعد] در ماده ۸ قانون مسؤولیت مدنی سال ۱۳۳۹ نیز این اصطلاح به کار رفته و نقض آن موجب مسؤولیت خواهد بود.

این معنا از حسن نیت و یا به عبارت دقیق، این تعبیر از لزوم رعایت حسن نیت در مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ قانون بیمه مصوب ۱۳۱۶ نیز آمده و ضمانت اجرایی هم برای آن تعیین گردیده است. ماده ۱۲ قانون یاد شده می گوید: «هرگاه بیمه گذار عمداً از اظهار مطالبی خودداری کند یا عمداً اظهارات کاذبه بنماید و مطالب اظهار نشده یا اظهارات کاذبه به طوری باشد که موضوع خطر را تغییر داده یا از اهمیت آن در نظر بیمه گر بکاهد، عقد بیمه باطل خواهد بود، حتی اگر مراتب مذکور تأثیری در وقوع حادثه نداشته باشد...».

اخیراً نیز مواد ۳ و ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، اصطلاح حسن نیت را با صراحت به کار برده و نحوه تنظیم ماده ۳۵ نیز به گونه ای است که حکایت از پذیرش این

اصل در قواعد عمومی معاملات دارد.

ماده ۳۵ قانون تجارت الکترونیکی مقرر می‌دارد: «اطلاعات اعلامی و تأییدیه اطلاعات اعلامی به مصرف‌کننده باید در واسطی با دوام، روشن و صریح بوده و در زمان مناسب و با وسایل مناسب ارتباطی در مدت معین و براساس لزوم حسن‌نیت در معاملات و از جمله ضرورت رعایت افراد ناتوان و کودکان ارائه شود».

به نظر ما حسن‌نیت که در اولین گام، رابطه بین اخلاق و حقوق تلقی می‌گردد در حقیقت در هر دو معنا مبین رعایت رفتاری دقیق و صادقانه است که می‌تواند پایگاهی برای پاره‌ای از تأسیسات و مبنایی برای وضع قواعد جدید باشد که در مبحث آتی، نحوه تعامل و ارتباط مفاهیم دوگانه یاد شده را بررسی خواهیم کرد.

۲-۳- وحدت ذاتی معانی دوگانه حسن‌نیت

آنچه در این بحث در پی آن هستیم پاسخ به این پرسش است که اساساً چه ارتباطی بین دو معنا وجود دارد؟ آیا دو معنا (تصور اشتباه و صداقت یا درستی) حکایت از وحدت مبنا دارد و یا این‌که به لحاظ تعدد معنا از تعدد مبنا نیز برخوردار است؟

ارائه پاسخ به این سؤالات، مستلزم توجه به ساختار حسن‌نیت از حیث مفهوم و عمل است. حسن‌نیت به‌طورکلی با انصاف ارتباط نزدیک داشته، ملاحظه جنبه‌های روانی و اخلاقی در هر دو معنای آن، لازم و ضروری است.

در تحلیل حسن‌نیت و بیان جوهره آن بعضی از حقوقدانان بر این عقیده هستند که حسن‌نیت در قاعده حقوقی معادل «اراده خوب» در قاعده اخلاقی است که منحصر به موارد قضایی نیست [۱۸، ص ۳] و به‌طورکلی، صفت اراده است که به قصد منصفانه، صادق و واقعی هم تعبیر می‌شود. حسن‌نیت از نظر اخلاق، اراده انجام بایدها و در نگاه حقوق، اراده تطبیق با حق است.

به‌طورکلی، نظر به این‌که حسن‌نیت یک مفهوم اخلاقی است اساساً نمی‌تواند به طیف خاصی از جامعه تعلق داشته باشد و همین خصیصه موجب رعایت آن مفهوم از جانب همگان شده، کاربردهای گوناگونی را برای آن فراهم آورده است.

برای تبیین دقیق حسن‌نیت در گستره حقوقی به‌ویژه حقوق مدنی ناگزیریم در مورد این‌که آیا حسن‌نیت فراهم‌کننده معیار و ضابطه است یا این‌که موضوع تعهد است و یا این‌که موضوع

حمایت قانون است تمایز قائل شویم.

در بحث از این که آیا حسن نیت یک معیار و ضابطه محسوب می شود، موضوع مربوط به قصد است و خواه متعاقدین و خواه ثالث باید در حیطة اقدامات خود به آن توجه کنند. در حالت دوم، این که موضوع تعهد باشد، حسن نیت بیانگر صداقت و درستی لازم در روابط و تعهدات فیما بین است. در فرض سوم، حسن نیت، پذیرفتن عذر و چشم پوشی از غیرقانونی بودن یک عمل یا یک وضعیت حقوقی است که قانونگذار به لحاظ فقدان تقصیر و سوء نیت، چنین فردی را مورد حمایت قرار می دهد.

به عبارت دیگر، اراده و قصد انطباق یافتن و هماهنگ کردن خود با دنیای حقوق و رعایت قواعد دقیق اخلاقی و حقوقی، امری ارزشی است که اهمیت خاص داشته، هر روز نیز بر اهمیت آن افزوده می گردد. از آنجا که اعمال حقوقی از روی قصد و به منظور تحقق امری منعقد می گردند، طرفین باید در چارچوب آن قصد، با نهایت صداقت و درستی، تعهدات را اجرا کنند. چنانچه فردی به اشتباه مرتکب عمل غیرقانونی شده باشد باید مورد حمایت قرار بگیرد. شاید بدو این گونه تصور گردد که هر یک از این موارد، مرحله ای مجزایند و با یکدیگر ارتباطی ندارند و بخصوص در دو حالت اخیر، موضوع هر یک از آن دو، چیز متفاوتی است؛ اما حسن نیت در کتبه خود یک قابلیت و توانی را دارد که می تواند تمام این موارد به ظاهر غیر مرتبط را تحت سیطره قرار دهد و در واقع می توان منشأ و مبنای واحدی را برای تمام آن ها پیدا کرد.

حسن نیت بر مبنای انصاف بوده، مولود عدالت است و در قراردادهای به نوعی متضمن این است که صرفاً به فرم و شکل قراردادهای بسنده نگردد، بلکه صرف نظر از شکل و ظاهر عبارات باید وجدان را در اجرای تعهد حاکم دانست و مطابق آن اقدام کرد. به طور کلی حسن نیت همواره بر رعایت قصد طرفین توجه داشته و بر صداقت و اعتماد فی مابین، که ممکن است بروز ظاهری نیز نداشته باشد، تکیه می کند. به عبارت دیگر حسن نیت به عناصر روانی و اخلاقی توأمان متکی است. برای مثال در تعهدات و تحصیل مالکیت در اثر تصرف، حسن نیت معنایی جز این ندارد که چنانچه شخص دارای اعتماد و صداقت و با نیت درست بود مالک گردد. چنان که در گذشته دیدیم در تحصیل مالکیت بر اثر تصرف، حسن نیت واجد مفهوم چهل بود، اما با تعمق آشکار می شود که مبنای این دو، امر واحدی است و همان امر، اساس حسن نیت را تشکیل می دهد؛ یعنی حسن نیت چه به معنای صداقت و درستی باشد، چه معنای تصور اشتباه به خود

بگیرد و خواه این‌که حسن‌نیت یک ضابطه و معیار کلی و عمومی برای انطباق با حقوق باشد، همواره مفید این اعتقاد و باور درونی است که صادق و درستکار باشیم، به کسی ضرر نرسانیم و مترصد حيله و تقلب نباشیم و نخواهیم همواره از مجاری غیر قانونی به اهداف خود برسیم. نیز اگر برای ما حقی وجود دارد، این حق را با رعایت سایر اصول کلی، از جمله نظم عمومی و اخلاق حسنه اعمال کرده، از حق خویش سوءاستفاده نکنیم.

بنابراین اساساً در حسن‌نیت توجه به حالت ذهنی و روحی اهمیت بسزایی دارد. این موضوع ملهم از ایده‌های مذهبی بوده، از چنین آموزه‌هایی نشأت می‌گیرد، نه این‌که صرفاً از حقوق رم ناشی شده باشد. هرچند حقوق رم همان‌گونه که بحث کردیم در واردکردن این بحث پیشرو بوده‌است، اما این امر حکایت از این ندارد که این مفهوم در ممالک دیگر ناشناخته بوده و مبنا و جایگاهی نداشته‌است. صدق این گفته با امعان نظر به وحدت ذاتی حسن‌نیت حاصل است. هیچ‌گاه نمی‌توان جامعه‌ای را فرض کرد که برای صداقت و اعتقاد ارزش قائل نباشد و اضرار به غیر و تقلب را مورد حمایت قرار دهد. عناصر اخلاقی همیشه و همه جا مورد احترام قرار می‌گیرند و ناقض آن در معرض سرزنش و مجازات است.

بنابراین، در یک کلام کلی، حسن‌نیت مبتنی بر فکر اخلاق است. هرچند اصولاً رعایت قواعد اخلاق همیشه ضروری نبوده و یا ضمانت‌اجرایی برای رعایت آن پیش بینی نشده‌است؛ لکن بعضی از قواعد اخلاقی به حدی اهمیت دارند که رعایت آن‌ها الزامی بوده، ضمانت‌اجرایی حقوقی یافته‌اند. امروزه وجود این قواعد نیز رو به فزونی است و با تحول جامعه و پیچیدگی و تنوع روابط انسان‌ها نموده‌های متنوع دارد. هیچ‌گاه نمی‌توان مصادیق جزئی این قواعد را احصا کرد، لکن با ضابطه‌هایی همچون حسن‌نیت باید لزوم رعایت آن مصادیق را فراهم آورد.

حسن‌نیت از سنخ آن قواعد اخلاقی است که اکنون کاملاً در قلمرو حقوق قرار گرفته و ضمانت‌اجراهای محکم و قوی پیدا کرده‌است. اخلاقی بودن قاعده حسن‌نیت، سبب می‌شود که حقوق دائم رو به تحول و تکامل، و مفهومی جامع و زنده باشد. از این منظر، حسن‌نیت، حقوق را به روان‌شناسی هم ارتباط می‌دهد. توجه به این نکته مهم است که هرچند حسن‌نیت مفاهیم روانی قصد و اعتقاد را در بر می‌گیرد، اما یک امر ذهنی محض هم نیست، زیرا روابط حقوقی، هرچند ریشه در افکار و نیت درونی دارند، اما با الفاظ و افعال بیرونی نمود پیدا می‌کنند و اظهارات بیرونی در عالم اثبات، مناط اعتبار قرار می‌گیرند. حقوق نمی‌تواند با تکیه

محض بر عناصر درونی و داخلی در تنظیم و تنسيق زندگی اجتماعی و فردی کارگزار باشد. منظور این‌که اخلاقی بودن حسن‌نیت تنها حکایت از این ندارد که اشخاص باید صرفاً دارای قصد خوب و اعتقاد نیکو و باوجدان باشند، زیرا حتی برای اخلاق و اخلاقی بودن نیز وجود قصدهای درونی خوب و یا پندار نیکو کفایت نمی‌کند، بلکه باید در کردار و عمل نیز این اراده خوب و وجدان حاکم باشد. این جنبه از اراده خوب به حسن‌نیت، ارزشی خاص داده، موجب کارایی آن می‌گردد. بنابراین، حسن‌نیت مفهومی است که از اخلاق عبور کرده، واجد معیارهای حقوقی شده‌است، به طوری که امروزه ارزش حسن‌نیت در قلمرو حقوق بسی فراتر از عالم اخلاق است.

کاربردهای این دو هم با یکدیگر تفاوت دارد؛ زیرا در حقوق، فرد می‌تواند فقط با اراده‌ای که مطابق حقوق و در چارچوب قواعد حقوقی باشد رفتار کند. این اراده نیز باید از ذهنیت خارج شده، عینیت یابد و به نوعی قابلیت احراز و شناسایی داشته باشد. این امر نیز به این موضوع بر می‌گردد که حقوق به اعمال می‌پردازد و آن‌ها را منظم می‌کند و باید‌ها و نباید‌ها را مقرر می‌سازد، درحالی که اخلاق همیشه این‌گونه نیست و اگر هم باشد ضمانت‌اجرائی مادی ندارد.

در حقیقت، برداشت اخلاقی از حسن‌نیت در حقوق هم صحیح است و اساساً هیچ تضادی بین این دو برداشت مطرح نیست، اما در مورد حسن‌نیت باید از مفاهیم ایده‌آل و هنجاری عفت، تقوا، فساد و عیب بیرون بیاوریم و به اصول عینی‌تر بپردازیم تا نقش حقوقی آن را پرداخته، در باره آثار آن قضاوت کنیم.

حسن‌نیت که بعضی آن را «روح تمام کاربردهای قانون اخلاق» [۱۸، ص ۱۹] می‌دانند عامل بزرگ آرمان‌گرایی و حتی اخلاق‌گرایی و نتیجتاً عامل بزرگ تحول حقوق، بخصوص حقوق مدنی بوده‌است و اگر می‌خواهیم بیش‌تر به معنا و کاربرد حسن‌نیت نزدیک شویم باید از کلیات تقریباً مبهم عدول کنیم و کاربردهای متفاوت آن را در قانونگذاری و رویه قضایی مورد بررسی قرار دهیم.

حسن‌نیت، مانند مثلثی است که ضلعی از آن، معیار تحول و تکامل حقوق، ضلع دیگرش بیانگر موضوع تعهد در روابط قراردادی، و ضلع سومش، موضوع حمایت قانون است و آن مربوط به زمانی است که فرد با تصور اشتباه اقدامی کرده باشد.

این سه ضلع با توجه به اخلاقی و منصفانه بودن از وحدت ذاتی برخوردار بوده، اما کاربردهای متفاوت دارند. ضلع اول آن، چیزی است که زمینه بروز و توسعه‌اش را فراهم آورده و با فرمالیسم تعارض دارد. این ضلع که بر جنبه ارادی حسن‌نیت مبتنی است، نه تنها بر متعاقدين، بلکه بر قاضی نیز تحمیل می‌گردد. دومین ضلع آن، بر صداقت، شرافت، اعتماد و در یک کلمه بر وجدان تکیه می‌کند که با تقلب و تدلیس در تعارض است و این امر اصولاً بر متعاقدين تحمیل می‌گردد و صرفاً در حالاتی خاص بر اشخاص ثالث بار می‌شود. سومین ضلع این مثلث که بر جنبه پاک و معصومانه حسن‌نیت حمل می‌گردد، ناظر به فردی است که از روی جهل، نه عمد، یک اقدام غیر قانونی را مرتکب شده باشد، در یک کلمه، این ضلع، بیانگر یک اعتقاد است و علاوه بر این فرد جاهل (با حسن‌نیت) ناظر به اشخاص ثالثی هم هست که با آن مواجه می‌گردند.

۳- نتیجه‌گیری

حسن‌نیت مفهومی وسیع و متنوع دارد که با توجه به هر یک از مفاهیم، نقش متفاوتی نیز پیدا می‌کند. در میان مفاهیم و معانی مختلف، دو معنا برای آن پراهمیت‌تر بود که حسن‌نیت به معنای صداقت و درستی، همکاری صادقانه، تعهد به همکاری و یا اصطلاحاتی از این قبیل، بیش‌تر در قلمرو قراردادهای مد نظر است. حسن‌نیت با این مفهوم در حقوق ایران به‌صراحت به کار نرفته‌است، اما با غور در قوانین مشخص گردید که حقوق ایران حسن‌نیت را به‌طور سلبی و ایجابی مورد توجه قرار داده‌است.

با وجود این، هرچند حسن‌نیت در مرحله اجرا (مانند حقوق فرانسسه) و مرحله انعقاد یا تفسیر در حقوق مدنی ایران به کار نرفته، اما قرائنی بر پذیرش این امر وجود دارد. وجود تعهدات پیش‌قراردادی مبنی بر اطلاع‌رسانی، انجام معامله با حسن‌نیت که کم و بیش مورد توجه دکتربین قرار گرفته‌است، زمینه مساعد برای پذیرش و پرورش این مفهوم را فراهم می‌آورد. حسن‌نیت در معنایی که جوهره آن را جهل تشکیل می‌دهد دارای کاربرد و نقش حمایتی است که به استناد آن، سعی می‌شود از فرد جاهل (با حسن‌نیت) حمایت گردد. در چنین صورتی این‌گونه فرض می‌گردد که آن عمل با هیچ مانع قانونی مواجه نیست. به عبارت دیگر، حسن‌نیت بدین معنا، هیچ تکلیفی برای فرد با حسن‌نیت ایجاد نمی‌کند؛ درحالی‌که در بحث

حسن نیت به معنای صداقت و درستی یا رعایت امانت و حفظ اعتماد و یا به طور کلی اجتناب از هرگونه حيله و تقلب، حسن نیت، دیگر جنبه حمایتی ندارد و یک اصل الزام آور تلقی می‌گردد و موجد تعهدات فراوانی است که جایگاه دقیق و منطقی آن نیز در حقوق قراردادها است. مطابق این معنا و برداشت از حسن نیت، متعاقدين ملزمند به آنچه وجدان حکم کرده و مقتضای صداقت و درستی است، وفا کنند. باور به این برداشت از حسن نیت آن را به عنوان عامل اخلاقی کردن تعهدات معرفی کرده و موجب پویایی حقوق شده است. عنایت به این مفهوم حسن نیت، فرمالیسم و رعایت حقوق محض را کنار گذاشته، اصل رضایی بودن عقود و مداخله قاضی را در پی داشته است. حسن نیت در این رهگذر باید به مثابه مقیاسی برای تعیین قلمرو تعهدات طرفین در نظر گرفته شود تا طرفین صرفاً به کلمات گفته شده در قرارداد اکتفا نکنند و به حکم وجدان ملزم به چیزی باشند که آنها با اعلان این کلمات درصدد وصول به آن بوده‌اند.

۴- منابع و مأخذ

- [1] Honnold, J., *Documentary History of the Uniform Law for International Sales*, Kluwer Law and Taxation Publishers, Deventer, Netherlands, 1998.
- [۲] عمید، ح.، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹.
- [3] Mack, W., LL, D. and Kister D. J., LL, D, *corpus Juris secundum, complete restatement of the entire of American law*, V.XI, (U.S.A), 1938.
- [4] Le Tourneau, Ph., "Bonne foi", *Repertoire civil Dalloz*, Dalloz, Paris, 2005.
- [5] Jourdain, P., *la bonne foi dans la formation du contrat rapport français*, en travaux de l'association Henri capitant, Paris, 1992.
- [6] Planiol, M., et Ripert, G. et Esmein, P., *Traité pratique de droit civil français*, T.IV, Paris, 1930.
- [7] Larombière, *Traité théorique et pratique des obligations*, vol. I, 2006.
- [8] Ourliac, P., Gazzaniga, J.L., *Histoire du droit privé français de L'Anmil au code civil*, éd. Albin Michel, 1985.
- [9] Lyon – Caen, G., "De L'évolution de la notion de bonne foi", *RTD civ*, Paris, 1946.

- [10] Ray, J., *Index du code civil*, thèse complémentaire pour le Doctorat ès lettres, Alcan, Paris, 1926.
- [11] Gamal Eddine zaki, M., *la bonne foi dans l'acquisition des droits en droit prive*, univrsité Fouad, 1952.
- [12] Plániol, M., et Ripert, G. et Boulanger, *droit civil, les obligations*, T.I, Paris, 1972.
- [13] Breton, "les effets civils de la bonne foi", *Rev. Crit.*, Paris, 1926.
- [14] Vouin, *la bonne foi, notion et role actuel en droit privé français*, these Bordeaux, 1939.
- [۱۵] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *دروه حقوق مدنی، حقوق تعهدات*، ج ۱، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۹.
- [۱۶] موسوی بجنوردی، م.، «قاعده اقدام»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۵.
- [17] Seriaux, A., *Manuel De Droit Des Obligation*, PUF, Paris, 2006.
- [18] Gorphe, F., *Le Principe de la bonne foi*, Paris, 1928.
- [19] Flour, J., *Les obligations l'acte Juridique*, A. Colin, Paris, 1998.
- [20] Becquart, J., *Les mots à sens multiple en droit civil français*, PUF, Paris, 1928.
- [21] Morel, *la bonne foi dans les actes juridique*, cours de droit civil approfondi professé à la Faculté de Droit de paris, 1936 – 1937.
- [۲۲] درودیان، ح.، *حقوق مدنی ۳*، جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- [۲۳] شهیدی، مهدی، *حقوق مدنی، اصول قراردادهای و تعهدات*، ج ۲، تهران، عصر حقوق، ۱۳۷۹.
- [۲۴] -----، *حقوق مدنی، آثار قراردادهای و تعهدات*، ج ۳، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۲.
- [۲۵] عدل، مصطفی، *حقوق مدنی*، تهران، طه، ۱۳۷۸.
- [۲۶] صفایی، سید حسین و همکاران، *حقوق بیع بین‌المللی با مطالعه تطبیقی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.



- [۲۷] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- [۲۸] ----- «تأثیر ابطال مصوبات دولتی نسبت به گذشته»، فصلنامه حقوق تأمین اجتماعی، سال اول، زمستان ۱۳۸۲.
- [۲۹] جعفرزاده، م. ق. و سیمایی صراف، «حسن‌نیت در قراردادهای بین‌المللی، قاعده‌ای فراگیر یا حکمی استثنایی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۴۱، بهار و تابستان ۱۳۸۴.
- [۳۰] عباسی، ا.، حسن‌نیت در قراردادها (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و سایر نظام‌های حقوقی)، رساله دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، ۸۵-۱۳۸۴.
- [۳۱] کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، ج ۲، چ ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
- [۳۲] بولانژه، ژ.، «اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه»، ترجمه علی‌رضا محمدزاده وادقانی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۶، بهار ۱۳۷۶.
- [۳۳] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، چ ۲، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۶.
- [۳۴] الماسی، نجاد علی، تعارض قوانین، چ ۵، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.